

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
بیست و یک	پیشگفتار
بیست و هفت	مقدمه
۱	فصل اول: رده‌شناسی و جایگاه آن در علم زبان
۱	۱-۱ مقدمه
۱	۲-۱ رده‌شناسی زبان
۲	۳-۱ پیشینه مطالعات رده‌شناختی
۲	۱-۳-۱ کلیات
۸	۲-۳-۱ تاریخچه
۸	۱-۲-۳-۱ از آغاز تا شروع قرن بیستم
۱۴	۲-۲-۳-۱ قرن بیستم
۲۹	۳-۳-۱ تبیین در رده‌شناسی
۴۵	۴-۱ گستره موضوعی
۴۸	۵-۱ ساختار کُنائی / ارگتیو
۴۸	۱-۵-۱ تاریخچه چند اصطلاح
۵۳	۲-۵-۱ نظام‌های حالت و مطابقه
۵۳	۱-۲-۵-۱ نخستین توصیف‌ها و تحلیل‌ها
۶۰	۲-۲-۵-۱ نظام‌های پنجگانه
۷۵	۳-۲-۵-۱ نکات تکمیلی
۸۳	۳-۵-۱ منطری متفاوت
۸۸	۴-۵-۱ تحلیل‌های زایشی
۸۹	۵-۵-۱ کاربردهای غیر معیار کُنائی
۹۱	۶-۵-۱ چارچوب مورد استناد در کتاب رده‌شناسی زبانهای ایرانی
۹۱	۶-۱ خلاصه

صفحه	عنوان
	فصل دوم: زبانهای ایرانی
۹۳	۱-۲ مقدمه
۹۳	۲-۲ تبارشناسی زبانهای ایرانی
۹۷	۳-۲ توصیفهای پیشین از 'ترتیب واژه' در زبان فارسی
۹۷	۱-۳-۲ مطالعات رده‌شناختی
۱۰۱	۲-۳-۲ مطالعات زایشی
۱۰۹	۳-۳-۲ مطالعات آماری
۱۱۷	۴-۲ رده‌شناسی 'ترتیب واژه' در زبان فارسی در چارچوب برگزیده
۱۳۰	۵-۲ رده‌شناسی تاریخی زبان فارسی
۱۳۱	۱-۵-۲ فارسی باستان
۱۳۴	۲-۵-۲ فارسی میانه
۱۴۸	۶-۲ تحولات رده‌شناختی یک زبان ایرانی کهن دیگر
۱۵۳	۷-۲ تحقیقات پیشین در ساختار گنائی زبانهای ایرانی و منشأ پیدایش آن
۱۵۳	۱-۷-۲ ساختار گنائی در فارسی میانه
۱۶۵	۲-۷-۲ ساختار گنائی در زبانهای ایرانی نو
۱۹۷	۳-۷-۲ منشأ پیدایش ساخت گنائی در زبانهای ایرانی
۱۹۸	۱-۳-۷-۲ نظریه بنونیست
۲۰۲	۲-۳-۷-۲ نظریه کاردونا و شروو
۲۰۷	۳-۳-۷-۲ نظریه هیگگ
۲۱۷	۸-۲ روش گردآوری داده‌ها در کتاب رده‌شناسی زبانهای ایرانی
۲۱۹	۹-۲ خلاصه
	فصل سوم: زبان بلوچی
۲۲۰	۱-۳ مقدمه
۲۲۳	۲-۳ رده‌شناسی ترتیب واژه‌ها
۲۲۳	۱-۲-۳ مؤلفه‌های رده‌شناختی ترتیب واژه‌ها
۲۶۲	۲-۲-۳ توصیف وضعیت رده‌شناختی بر اساس مؤلفه‌های ترتیب واژه‌ها
۲۶۴	۳-۳ نظام مطابقه در بلوچی
۲۶۴	۱-۳-۳ مقدمه
۲۶۴	۲-۳-۳ نظام مطابقه در بلوچی ایرانشهری
۲۶۵	۱-۲-۳-۳ نظام مطابقه در بلوچی اربابان

صفحه	عنوان
۲۶۵	۱-۲-۳-۳ سازوکار مطابقه با فاعل در فعلهای متعدی ساخته شده با ستاک گذشته
	۲-۱-۲-۳-۳ سازوکار مطابقه با فاعل در فعلهای لازم و فعلهای متعدی
۲۷۶	ساخته شده با ستاک حال
۲۷۷	۳-۱-۲-۳-۳ فهرست کامل دو نوع سازوکار مطابقه با فاعل
۲۷۹	۴-۱-۲-۳-۳ الگوهای نظام مطابقه
۲۸۳	۵-۱-۲-۳-۳ جمع بندی، تحلیل، و بازسازی
۲۸۶	۲-۲-۳-۳ نظام مطابقه در بلوچی بلوچان
۲۸۶	۱-۲-۲-۳-۳ سازوکار مطابقه با فاعل در فعلهای متعدی ساخته شده با ستاک گذشته
	۲-۲-۲-۳-۳ سازوکار مطابقه با فاعل در فعلهای لازم و فعلهای متعدی
۲۹۶	ساخته شده با ستاک حال
۲۹۹	۳-۲-۲-۳-۳ فهرست کامل دو نوع سازوکار مطابقه با فاعل
۳۰۳	۳-۳-۳ یافته ها و پیامدها
۳۰۳	۴-۳-۳ نظام مطابقه در دیگر گویشهای بلوچی
۳۰۴	۱-۴-۳-۳ نظام مطابقه در لاشاری، سراوانی، زاهدانی، و خاشی
۳۱۶	۲-۴-۳-۳ نظام مطابقه در بلوچی زابلی/سیستانی
۳۱۸	۳-۴-۳-۳ نظام مطابقه در بلوچی ترکمنستان
۳۲۶	فصل چهارم: زبان دوانی
۳۲۶	۱-۴ مقدمه
۳۲۶	۲-۴ رده شناسی ترتیب واژه ها
۳۲۶	۱-۲-۴ مؤلفه های رده شناختی ترتیب واژه ها
۳۴۳	۲-۲-۴ توصیف وضعیت رده شناختی بر اساس مؤلفه های ترتیب واژه ها
۳۴۵	۳-۴ نظام مطابقه در دوانی
۳۴۵	۱-۳-۴ مقدمه
۳۴۵	۲-۳-۴ سازوکار مطابقه با فاعل در فعلهای متعدی ساخته شده با ستاک ...
۳۵۸	۳-۳-۴ چند نکته تکمیلی
	۴-۳-۴ سازوکار مطابقه با فاعل در فعلهای لازم و فعلهای متعدی ساخته شده
۳۶۷	با ستاک حال
۳۷۲	۵-۳-۴ سازوکارهای مطابقه با مفعول
۳۷۷	۶-۳-۴ آزمون سازوکارهای مطابقه در یک خرده گفتمان
۳۷۸	۷-۳-۴ الگوهای نظام مطابقه

صفحه	عنوان
۳۸۳	فصل پنجم: زبان لارستانی
۳۸۳	۱-۵ مقدمه
۳۸۴	۲-۵ رده‌شناسی ترتیب واژه‌ها
۳۸۴	۱-۲-۵ مؤلفه‌های رده‌شناختی ترتیب واژه‌ها
۴۰۱	۲-۲-۵ توصیف وضعیت رده‌شناختی بر اساس مؤلفه‌های ترتیب واژه‌ها
۴۰۳	۳-۵ نظام مطابقه در لارستانی
۴۰۳	۱-۳-۵ مقدمه
	۲-۳-۵ سازوکار مطابقه با فاعل در فعلهای متعدی ساخته‌شده با ستاک
۴۰۳	گذشته در گویش لاری
	۳-۳-۵ سازوکار مطابقه با مفعول در فعلهای متعدی ساخته‌شده با ستاک
۴۱۴	گذشته در گویش لاری
۴۱۵	۴-۳-۵ چند نکته تکمیلی
	۵-۳-۵ سازوکار مطابقه با فاعل در فعلهای لازم و فعلهای متعدی ساخته‌شده
۴۲۱	با ستاک حال در گویش لاری
	۶-۳-۵ سازوکار مطابقه با مفعول در فعلهای متعدی ساخته‌شده با ستاک
۴۲۵	حال در گویش لاری
۴۲۸	۷-۳-۵ الگوهای نظام مطابقه
۴۳۱	۸-۳-۵ تحلیل یک متن لاری معاصر
۴۳۳	۹-۳-۵ تحلیل یک متن قدیمی لاری
	۱۰-۳-۵ سازوکار مطابقه با فاعل در فعلهای متعدی ساخته‌شده با ستاک
۴۵۵	گذشته در گویش خُنجی
۴۶۱	۱۱-۳-۵ چند نکته تکمیلی
	۱۲-۳-۵ سازوکار مطابقه با فاعل در فعلهای لازم و فعلهای متعدی ساخته‌شده
۴۶۴	با ستاک حال در گویش خُنجی
۴۶۶	۱۳-۳-۵ سازوکارهای مطابقه با مفعول در فعلهای متعدی در گویش خُنجی
۴۷۰	فصل ششم: زبان تالشی/طالشی
۴۷۰	۱-۶ مقدمه
۴۷۰	۲-۶ رده‌شناسی ترتیب واژه‌ها

صفحه	عنوان
۴۷۱	۱-۲-۶ مؤلفه‌های رده‌شناختی ترتیب واژه‌ها
۴۹۵	۲-۲-۶ توصیف وضعیت رده‌شناختی بر اساس مؤلفه‌های ترتیب واژه‌ها
۴۹۷	۳-۶ نظام مطابقه در تالشی
۴۹۷	۱-۳-۶ مقدمه
۴۹۸	۲-۳-۶ سازوکار مطابقه با فاعل در فعلهای متعدی ساخته شده با ستاک حال
۵۰۲	۳-۳-۶ گوناگونی در کاربرد پی‌بسته‌های مطابقه فاعلی
	۴-۳-۶ سازوکار مطابقه با فاعل در فعلهای لازم و فعلهای متعدی ساخته شده
۵۱۱	با ستاک حال
۵۲۰	۵-۳-۶ الگوهای نظام مطابقه
۵۲۱	۴-۶ الگوهای نظام حالت
۵۲۷	۵-۶ نظام مطابقه و نظام حالت
۵۲۷	۶-۶ گویشی دیگر از تالشی شمالی
۵۲۸	۱-۶-۶ نظام مطابقه
۵۳۷	۲-۶-۶ نظام حالت
۵۳۸	۳-۶-۶ آمیختگی در نظام حالت و مطابقه
۵۴۱	فصل هفتم: زبان و فسی
۵۴۱	۱-۷ مقدمه
۵۴۳	۲-۷ رده‌شناسی ترتیب واژه‌ها
۵۴۴	۱-۲-۷ مؤلفه‌های رده‌شناختی ترتیب واژه‌ها
۵۶۰	۲-۲-۷ توصیف وضعیت رده‌شناختی بر اساس مؤلفه‌های ترتیب واژه‌ها
۵۶۲	۳-۷ نظام مطابقه در و فسی
۵۶۲	۱-۳-۷ مقدمه
۵۶۳	۲-۳-۷ سازوکار مطابقه با فاعل در فعلهای متعدی ساخته شده با ستاک گذشته
	۳-۳-۷ سازوکار مطابقه با فاعل در فعلهای لازم و فعلهای متعدی ساخته شده
۵۷۰	با ستاک حال
۵۷۷	۴-۳-۷ الگوهای نظام مطابقه
۵۸۳	۴-۷ نظام حالت
۵۸۸	۵-۷ چند نکته تکمیلی
۵۹۳	۶-۷ تحلیل یک قصه

فهرست شکلها

صفحه	عنوان
۶۱	شکل ۱-۱: نظامهای حالت بر اساس S، A، و P
۸۰	شکل ۲-۱: چرخه تغییر
۸۱	شکل ۳-۱: مسیر تغییر
۱۸۹	شکل ۱-۲: رده سه بخشی و رده غیر فاعلی مضاعف
۲۸۰	شکل ۱-۳: بلوچی اربابان: نظام مطابقه در فعلهای ساخته شده با ستاک حال
۲۸۰	شکل ۲-۳: بلوچی اربابان: نظام مطابقه در فعلهای ساخته شده با ستاک گذشته ...
۲۸۱	شکل ۳-۳: بلوچی اربابان: نظام مطابقه در فعلهای ساخته شده با ستاک گذشته ...
۲۸۲	شکل ۴-۳: بلوچی اربابان: انطباق نقشهای دستوری بر مبنای سازوکار مطابقه در ...
۲۸۲	شکل ۵-۳: نقش وارونگی کامل / متقاطع
۲۸۳	شکل ۶-۳: ساخت آمیخته (گنائی - مطلق)
۲۸۴	شکل ۷-۳: ساخت آمیخته (بدون مطابقه)
۲۸۴	شکل ۸-۳: مراحل گذر از ساخت گنائی به ساخت فاعلی - مفعولی
۲۸۵	شکل ۹-۳: ساخت گنائی - مطلق بنیادی
۲۸۶	شکل ۱۰-۳: مراحل گذر از ساخت گنائی - مطلق بنیادی به ساخت فاعلی - مفعولی
۳۷۹	شکل ۱-۴: دوانی، نظام مطابقه در فعلهای ساخته شده با ستاک حال
۳۷۹	شکل ۲-۴: دوانی، نظام مطابقه در فعلهای ساخته شده با ستاک گذشته
۳۸۰	شکل ۳-۴: دوانی، نظام مطابقه در فعلهای ساخته شده با ستاک گذشته ...
۳۸۱	شکل ۴-۴: دوانی، نظام مطابقه در فعل مرکب ساخته شده با ستاک گذشته ...
۳۸۲	شکل ۵-۴: دوانی، انطباق نقشهای دستوری به لحاظ مطابقه در فعلهای متعدی

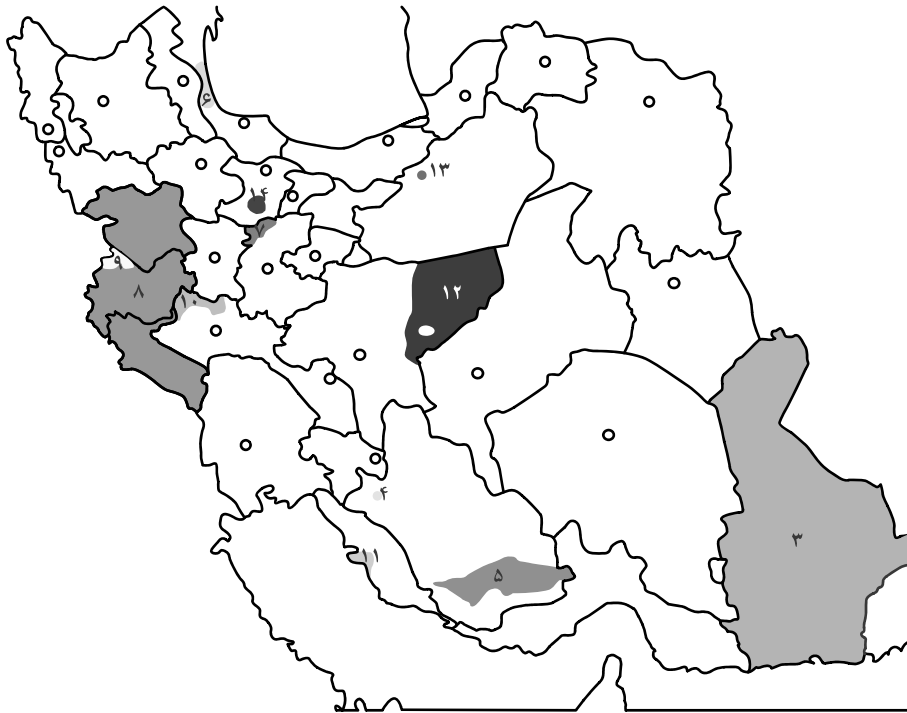
صفحه	عنوان
۴۲۹	شکل ۱-۵: لارستانی؛ نظام مطابقه در فعلهای ساخته شده با ستاک حال
۴۳۰	شکل ۲-۵: لارستانی؛ نظام مطابقه در فعلهای ساخته شده با ستاک گذشته
۴۳۰	شکل ۳-۵: لارستانی؛ انطباق نقشهای دستوری به لحاظ مطابقه در فعلهای متعدی
۵۲۰	شکل ۱-۶: تالشی (عنبران بالا)، نظام مطابقه در فعلهای ساخته شده با ستاک حال
۵۲۰	شکل ۲-۶: تالشی (عنبران بالا)، نظام مطابقه در فعلهای ساخته شده با ستاک گذشته
۵۲۱	شکل ۳-۶: تالشی (عنبران بالا)، انطباق نقشهای دستوری به لحاظ مطابقه در ...
۵۲۵	شکل ۴-۶: تالشی (عنبران بالا)، نظام حالت در فعلهای ساخته شده با ستاک حال
۵۲۵	شکل ۵-۶: تالشی (عنبران بالا)، نظام حالت در فعلهای ساخته شده با ستاک گذشته
۵۲۶	شکل ۶-۶: تالشی (عنبران بالا)، انطباق نقشهای دستوری به لحاظ حالت در ...
۵۷۸	شکل ۱-۷: وفسی (وفس): نظام مطابقه در فعلهای ساخته شده با ستاک حال
۵۸۰	شکل ۲-۷: وفسی (وفس)، نظام مطابقه در فعلهای ساخته شده با ستاک گذشته ...
۵۸۱	شکل ۳-۷: وفسی (وفس)، نظام مطابقه در فعلهای ساخته شده با ستاک گذشته ...
۵۸۲	شکل ۴-۷: وفسی (وفس): انطباق نقشهای دستوری به لحاظ مطابقه در فعلهای ...

فهرست جدولها

صفحه	عنوان
۳۰	جدول ۱-۱: توالی مفعول و فعل
۹۹	جدول ۱-۲: رده‌بندی بر اساس مؤلفه‌های عمل و عملگر
۱۱۱	جدول ۲-۲: تعداد جمله‌های پیکره و تعداد سازه‌های پسایند
۱۱۲	جدول ۳-۲: سازه‌های پسایند 'مقصد' و 'غیر مقصد'
۱۱۲	جدول ۴-۲: فاعل پسایند
۱۱۳	جدول ۵-۲: مفعول صریح پسایند
۱۱۳	جدول ۶-۲: مفعول صریح پسایند با پس‌اضافه و بدون آن
۱۱۴	جدول ۷-۲: مفعول غیر صریح پسایند
۱۱۶	جدول ۸-۲: سلسله‌مراتب پسایندی
۱۲۱	جدول ۹-۲: حرف اضافه
۱۲۹	جدول ۱۰-۲: زبان فارسی در مقایسه با زبانهای اروپا - آسیا
۱۲۹	جدول ۱۱-۲: زبان فارسی در مقایسه با زبانهای جهان
۲۶۳	جدول ۱-۳: بلوچی (ایران شهری) در مقایسه با زبانهای اروپا - آسیا
۲۶۳	جدول ۲-۳: بلوچی (ایران شهری) در مقایسه با زبانهای جهان
۲۷۸	جدول ۳-۳: پسوندهای مطابقت فاعلی در بلوچی اربابان
۲۷۹	جدول ۴-۳: واژه‌بستهای مطابقت فاعلی در بلوچی اربابان
۳۰۱	جدول ۵-۳: پسوندهای مطابقت فاعلی در بلوچی بلوچان
۳۰۲	جدول ۶-۳: واژه‌بستهای مطابقت فاعلی در بلوچی بلوچان
۳۴۴	جدول ۱-۴: دوانی در مقایسه با زبانهای اروپا-آسیا
۳۴۴	جدول ۲-۴: دوانی در مقایسه با زبانهای جهان
۳۵۸	جدول ۳-۴: واژه‌بستهای مطابقت فاعلی در دوانی

دوازده

صفحه	عنوان
۳۷۱	جدول ۴-۴: پسوندهای مطابقت فاعلی در دوانی
۴۰۲	جدول ۱-۵: لارستانی (گوش لاری) در مقایسه با زبانهای اروپا - آسیا
۴۰۲	جدول ۲-۵: لارستانی (گوش لاری) در مقایسه با زبانهای جهان
۴۱۳	جدول ۳-۵: پیش‌بسته‌های مطابقت فاعلی در لارستانی
۴۲۵	جدول ۴-۵: پسوندهای مطابقت فاعلی در لارستانی (گوش لاری)
۴۶۵	جدول ۵-۵: پسوندهای مطابقت فاعلی در لارستانی (گوش خنجی)
۴۹۶	جدول ۱-۶: تالشی در مقایسه با زبانهای اروپا - آسیا
۴۹۶	جدول ۲-۶: تالشی در مقایسه با زبانهای جهان
۵۱۷	جدول ۳-۶: پسوندهای مطابقت فاعلی در تالشی
۵۱۸	جدول ۴-۶: پی‌بسته‌های مطابقت فاعلی در تالشی
۵۲۴	جدول ۵-۶: حالت‌های ضمیرهای شخصی در تالشی (عنبران بالا)
۵۲۵	جدول ۶-۶: حالت اسمها در تالشی (عنبران بالا)
۵۲۸	جدول ۷-۶: پسوندها (نوع اول)
۵۲۹	جدول ۸-۶: واژه‌بسته‌های شناور (نوع دوم)
۵۶۱	جدول ۱-۷: وفسی در مقایسه با زبانهای اروپا - آسیا
۵۶۱	جدول ۲-۷: وفسی در مقایسه با زبانهای جهان
۵۶۹	جدول ۳-۷: واژه‌بسته‌های مطابقت فاعلی در وفسی
۵۷۶	جدول ۴-۷: پسوندهای مطابقت فاعلی در وفسی
۵۸۳	جدول ۵-۷: حالت اسمها در وفسی (وفس)
۵۸۷	جدول ۶-۷: وفسی (وفس)، حالت‌های ضمیرهای شخصی منفصل
۵۸۸	جدول ۷-۷: وفسی (وفس)، حالت پرسشواژه‌ها



استان	زبان	فصل رنگ	استان	زبان	فصل رنگ
سیستان و بلوچستان	بلوچی	۳	کرمانشاه (پاوه)	اورامی	۹
فارس (دوان)	دوانی	۴	لرستان (کوهدهشت، نورآباد)	لکی	۱۰
فارس (لار)	لارستانی	۵	بوشهر (تنگستان)	دلواری	۱۱
گیلان (تالش)	تالشی	۶	اصفهان (نیستانک)	نائینی	۱۲
مرکزی (وفسی)	وفسی	۷	سمنان (شهمیرزاد)	شهمیرزادی	۱۳
کردستان، کرمانشاه، ایلام	کردی	۸	قزوین (چال/شال)	تاتی	۱۴

نقشه موقعیت جغرافیایی کنونی زبانهای ایرانی توصیف شده در کتاب حاضر. از آنجا که زبان فارسی زبان ملی و رسمی کشور است در کل ایران پراکنده است.

چهارده

آمار جمعیت مناطقی که زبان مورد نظر در آنجا گفت و گو می شود.
(مرکز آمار ایران؛ سال ۱۳۹۰)

فصل	زبان	مکان	جمعیت
۳	بلوچی	استان سیستان و بلوچستان	۲۴۰۵۷۴۲ نفر
۴	دوانی	دوان	۴۳۵ نفر
۵	لارستانی	لار خنج	۶۵۴۵۱ نفر ۱۸۷۹۲ نفر
۶	تالشی	تالش	۵۲۳۴۴ نفر
۷	وفسی	وفس	۱۵۸۳ نفر
۸	کردی	بانه سندج ایلام کرمانشاه مهاباد	۸۵۱۹۰ نفر ۳۷۳۹۸۷ نفر ۱۷۲۲۱۳ نفر ۸۵۱۴۰۵ نفر ۱۴۷۲۶۸ نفر
۹	اورامی	پاوه	۲۳۷۰۴ نفر
۱۰	لکی	کنگاور صحنه هرسین الشتر چغلووند زاغه کوهدهشت نورآباد جلالوند سفلی جلالوند علیا عثمانوند	۵۳۴۴۹ نفر ۳۶۵۴۲ نفر ۴۹۹۶۷ نفر ۳۰۲۵۷ نفر ۱۴۰۹ نفر ۲۶۸۵ نفر ۹۲۹۲۷ نفر ۶۱۱۴۲ نفر ۲۳۳ نفر ۲۹۳ نفر ۴۷۱۸ نفر
۱۱	دلواری	تنگسیر	_____ (یافت نشد)
۱۲	نائینی	نائین (نیستانک)	۲۷۶ نفر
۱۳	شهمیرزادی	شهمیرزاد	۸۸۲ نفر
۱۴	تاتی	چال/شال	_____ (یافت نشد)

۱. این رقم طبق آمار سال ۱۳۸۵ است و برآورد شده بود که در سال ۱۳۸۹ جمعیت این استان به ۲۷۳۳۲۰۵ نفر می رسد.

راهنمای آواها*

همخوانها			
مشخصه‌های آوایی	آوا	مشخصه‌های آوایی	آوا
چاکنایی، سایشی، بیواک	h	دولبی، انسدادی، بیواک	p
حلقی، سایشی، بیواک (اورامی)	ħ	دولبی، انسدادی، واکدار	b
چاکنائی، سایشی، واکدار (اورامی)	fi	دندانی، انسدادی، بیواک	t
حلقی، سایشی، واکدار (اورامی)	ʕ	دندانی، انسدادی، واکدار	d
ملازی، سایشی، واکدار (اورامی)	ʁ	نرمکامی، انسدادی، بیواک	k
لیبی - کامی، تقریبی، واکدار	ʈ	نرمکامی، انسدادی، واکدار	g
ملازی، انسدادی، بیواک	q	دولبی، خیشومی	m
کامی، انسدادی، بیواک (دوانی)	c	لثوی، خیشومی	n
چاکنایی، انسدادی، بیواک	ʔ	نرمکامی، خیشومی	ŋ
لثوی، ناسوده/تقریب (اورامی)	ɹ	کامی، انسدادی - سایشی، بیواک	č
لثوی، روان، کناری	l	کامی، انسدادی - سایشی، واکدار	ǰ
روان، کناری، تیره (کردی)	ɭ	لب و دندانی، سایشی، بیواک	f
لثوی، روان، لرزشی	r	لب و دندانی، سایشی، واکدار	v
روان، چندزنجی (کردی)	ʀ	بین دندانی، سایشی، بیواک	θ
روان، چندزنجی (اورامی)	ʁ	بین دندانی، سایشی، واکدار	ð
کامی، نیم‌واکه	y	لثوی، سایشی، بیواک	s
لیبی - نرمکامی، نیم‌واکه	w	لثوی، سایشی، واکدار	z
		لثوی - کامی، سایشی، بیواک	š
		لثوی - کامی، سایشی، واکدار	ž
		نرمکامی، سایشی، واکدار (دوانی و کردی)	ʎ
		نرمکامی، سایشی، بیواک	x

* این جدول فقط نشانه‌هایی را نشان می‌دهد که این نگارنده در مثالهای خود به کار برده است (یعنی نقل از دیگران نیست).

راهنمای آواها (ادامه)

نشانه‌های آوایی دیگر		واکه‌ها	
مشخصه‌های آوایی	آوا	مشخصه‌های آوایی	آوا
لی‌شدگی [x ^w]	- ^w	پیشین، بسته	i
دمیده [p ^h]	h	پیشین، بسته، نرم	ɪ
کشیده [a: /ā]	: -	واکهٔ پیشین، بسته، نرم، نیم‌واکه‌شده (کردی)	ɪ̯
خیشومی‌شدگی [õ]	~	پیشین، نیمه‌بسته	e
تکیه	ˈ	پیشین، نیمه‌بسته، گرد	ö
برگشته [d] (بلوچی)	·	پیشین، باز	æ
		پسین، باز	a
		پسین، بسته	u
		پسین، بسته، گرد، نرم (کردی)	U
		پیشین، بسته، گرد	ü

کوته نوشته ها

معنا	نشانه	معنا	نشانه
مذکر	mass.	فعل لازم ساخته شده با ستاک گذشته	فعل «ل + گذشته»
کامل	perf.	فعل لازم ساخته شده با ستاک حال	فعل «ل + حال»
وجه وصفی	part.	فعل متعدی ساخته شده با ستاک گذشته	فعل «م + گذشته»
ختی	neut.	فعل متعدی ساخته شده با ستاک حال	فعل «م + حال»
مکانی	loc.	ساخته شده با ستاک گذشته	«+ گذشته»
وسیله ای	inst.	ساخته شده با ستاک حال	«+ حال»
غیر فاعلی	obl.	فاعل فعل متعدی/عامل	A
نفی	neg.	فاعل فعل لازم	S
زمان حال	Pres	مفعول صریح	P یا O
معرفه	م	اول شخص مفرد	۱ش م
نکره	ن	دوم شخص مفرد	۲ش م
مفرد	sg	سوم شخص مفرد	۳ش م
جمع	pl	اول شخص جمع	۱ش ج
مؤنث	fem	دوم شخص جمع	۲ش ج
حالت کنائی	Erg	سوم شخص جمع	۳ش ج
حالت مطلق	Abs	سوم شخص مفرد مذکر	3MS
اول شخص جمع	1 pl	سوم شخص مفرد مؤنث	3FS
مفعول + فعل	م + ف	حالت فاعلی	Nom
اضافه	اض	حالت مفعولی	Acc

نشانه‌های قراردادی

/	یا
=	واژه‌بست مطابقت با فاعل/عامل
[عدد]	شماره مثال در متن مبدأ
←	رجوع کنید به
*	(الف) در بافت مباحث در زمانی، به معنای 'صورت بازسازی شده' است. (ب) در بافت مباحث هم‌زمانی به معنای 'غیردستوری' است.
//	واج نویسی
<	صورت اولیه

راهنمای استفاده از مثالها

در این کتاب کلمه‌ها، عبارتها و جمله‌هایی که در مثالها آمده‌اند غالباً به طور کامل به تکواژهای سازنده‌شان تقطیع شده‌اند و زیر هر تکواژ ترجمه (gloss) آن نوشته شده است. در بیشتر مثالها، برای هر تکواژ فقط یک ترجمه وجود دارد (← مثال ۱، از زبان کردی). اما در برخی از مثالها دو تکواژ یا دو کلمه دارای یک ترجمه مشترک است؛ در این موارد، تکواژها یا کلمه‌های هم‌معنا، با خط مورب از هم جدا شده‌اند، اما ترجمه آنها تکرار نشده است (← مثال ۲، از زبان کردی).

1. hat-em
اشم - آمد

2. hat-i(d) / -i(den)
اشم - آمد

در اینجا خط مورب نشان می‌دهد که برای تکواژ اشم دو صورت وجود دارد: -i(d) و -i(den) و پراکنشها تعداد این دو صورت را به سه صورت، می‌رسانند: -i ، -id ، -iden.

نورده

این کتاب پیشکشی است به همه گویشوران زبانهای ایرانی
که مقام زبان محلی خود، این میراث بزرگ انسانی،
فرهنگی، فکری، و ایرانی را می‌شناسند و به دانستن آن
زبان بر خود می‌بالند و برای ماندگاری آن می‌کوشند.

پیشگفتار

خداوند را شکر گزارم که به من توفیق عنایت فرمود گامی در حد بضاعت فکری، جسمی، و علمی خود برای توصیف و تحلیل تعدادی از زبانهای ایرانی در چارچوب نظری مشخصی بردارم. اندیشه تألیف کتاب *رده‌شناسی زبانهای ایرانی* به طور جدی بیست‌سال پیش در ذهنم شکل گرفت. در آغاز کوشیدم منابعی را که از چند روز پس از فراغت از تحصیل در دوره دکتری گردآورده بودم بخوانم و به چارچوب رده‌شناختی مناسب برای مطالعه آن زبانها دست یابم. اولین اثری که در آن روزها در رده‌شناسی تهیه کرده بودم مجموعه چهارجلدی *همگانیهای زبان انسان* (۱۹۷۸) ویراسته گرینبرگ و همکاران بود. جوزف گرینبرگ (۱۹۱۵-۲۰۰۱) را که برجسته‌ترین رده‌شناس قرن بیستم بود در تابستان ۱۹۷۸ هنگامی که نیمسال اول دوره دکتری زبان‌شناسی را سپری کرده بودم در مدرسه تابستانی زبان‌شناسی ملاقات کردم. در همان مدرسه با برنارد کامری نیز که اکنون برجسته‌ترین رده‌شناس جهان است آشنا شدم. اولین مقاله‌ای که در چارچوب رده‌شناسی انتشار دادم در سال ۱۹۹۷ بود. سه مقاله دیگر در همین حوزه مطالعاتی در سالهای ۲۰۰۶، ۲۰۰۸، و ۲۰۱۲ منتشر کردم. همه این مقاله‌ها به زبان انگلیسی چاپ شده‌اند. تحریر اول این مقاله‌ها را در همایشهای بین‌المللی و داخلی زبان‌شناسی و غالباً به عنوان سخنران مدعو ارائه کرده‌ام. در سخنرانیهای خارج کشور از حضور برنارد کامری، ماریان میتون، مارتین هاسپلمت، دونالد استیلو، بو اوتاس، کارینا جهانی، اگنس کورن، جفری هیگ، لودویک پاول، جان هاکینز، و متیو درایر بهره‌مند بوده‌ام. با اکثر رده‌شناسان و ایران‌شناسانی که نامشان ذکر شد، و هر کدام در زمینه تخصصی خود سرآمد است، گفت‌وگوهای علمی متعدد داشته‌ام و از آثارشان بسیار آموخته‌ام. به ویژه دعوت‌های سال ۲۰۰۱، ۲۰۰۵، و ۲۰۰۷ برنارد کامری، مدیر دانشمند گروه زبان‌شناسی مؤسسه پژوهشی مکس پلاتک (در کشور آلمان، شهر لایپزیک) از این نگارنده به عنوان استاد میهمان برای ایراد سخنرانی در جمع استادان و پژوهشگران آن گروه و استفاده از کتابخانه غنی و تسهیلات کتابخانه‌ای آن مؤسسه بسیار سودمند بود.

بیست‌ویک

دانشگاه علامه طباطبائی با اعطای فرصت مطالعاتی ده‌ماهه در دانشگاه کالیفرنیا در سال تحصیلی ۱۳۷۱-۱۳۷۲ زمینه آغاز مطالعه جدی‌تر و آشنائی عمیق‌تر با رده‌شناسی زبان را فراهم نمود. در ادامه این مسیر علمی، دانشگاه علامه طباطبائی و شورای عالی پژوهش‌های علمی کشور با حمایت خود از طرح پیشنهادی نگارنده با عنوان ”زبانها و گویشهای عمده کنونی ایران“ در سال ۱۳۷۶ باب ورود به مطالعه رده‌شناختی زبانها و گویشهای ایرانی را گشودند. به عنوان معلم زبان‌شناسی این بخت را داشته‌ام که با گویشوران زبانها و گویشهای ایرانی و غیرایرانی رایج در جای‌جای ایران مواجه شوم و از دانش زبانی آنان بهره‌مند گردم. وجود زبانهای محلی گوناگون در ایران شامل زبانهایی که در این کتاب بررسی شده‌اند و زبانهای محلی دیگری همچون ترکی (اورالی - آلتائی)، عربی (سامی)، ترکمنی (اورالی - آلتائی)، قشقائی (اورالی - آلتائی)، ارمنی (هندواروپائی)، آسوری یا آرامی نو (سامی)، رومانی یا رومانو (هندوآریائی)، گرجی (قفقازی)، جدگالی (هندوآریائی)، براهوئی (دراویدی)، و نیز آن دسته از زبانهای محلی ایرانی که مجال توصیف و تحلیل آنها در این کتاب فراهم نشد، مانند سمنانی، لری، گیلکی، مازندرانی، تعداد قابل توجهی از زبانهای محلی فلات مرکزی ایران (شامل گزی، راجی، جوشقانی، ایبانه‌ای)، بهبهانی (استان خوزستان)، مینابی (استان هرمزگان)، کومزاری (گویش لارکی در تنگه هرمز) حقیقتاً سرمایه‌های ارزشمند فکری، فرهنگی، و تاریخی ایران هستند و ثبت و ضبط و حفظ همه آنها وظیفه‌ای است بر دوش پژوهشگران و نهادهای علمی عرصه علوم انسانی.

در اینجا مایلیم به پرسشی که ممکن است در ذهن خوانندگان این کتاب مطرح شود اشاره کنم. مفاهیم ’زبان‘، ’گویش‘، ’لهجه‘، و ’گونه‘ در کتاب رده‌شناسی زبانهای ایرانی چگونه به کار رفته‌اند؟ در آغاز باید تصریح کنم که طبق اصل پانزدهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (مصوب ۱۳۵۸) ’’زبان و خط رسمی و مشترک مردم ایران، فارسی است.‘‘ در ادامه از تعبیر ’’زبانهای محلی و قومی‘‘ استفاده شده است که به لحاظ ملاکهای زبان‌شناختی تعبیری موجه و علمی است. در مقاله‌ای با عنوان ’’زبان، گونه، گویش، و لهجه: کاربردهای بومی و جهانی‘‘ (۱۳۸۷) از تشّت و گوناگونی فراوان در کاربرد این اصطلاحات در میان آثار نشریافته زبان‌شناسان ایرانی سخن گفته و تأکید کرده‌ام که این تشّت و گوناگونی موجب آشفتگی و سردرگمی بسیاری برای دانشجویان زبان‌شناسی و رشته‌های مرتبط و علاقه‌مندان به مطالعات زبانی شده است. در ادامه کوشیده‌ام با استناد به

منابع معیار زبان‌شناسان و جامعه‌شناسان زبان در سطح جهانی، اصطلاحات مذکور را با ارائه مصادیق از ایران تعریف کنم. در آن مقاله به نقل از کتاب *گویش‌شناسی چمبرز و ترادگیل* (۱۹۸۰) آمده ما معتقدیم بهتر است گویشها (dialects) را گویشهای یک زبان بدانیم (ص ۳). گویشهای یک زبان به لحاظ دستوری و واژگانی و نیز واجی از یکدیگر متمایزند (ص ۵). طبق این تعریف انگلیسی بریتانیایی، انگلیسی امریکایی، انگلیسی استرالیایی، انگلیسی کانادایی، و انگلیسی افریقای جنوبی گویشهای زبان انگلیسی‌اند. در همانجا گفته شده است که اما لهجه (accent) به شیوه تلفظ سخنگو اشاره دارد. بنابراین لهجه‌های یک زبان آنهایی هستند که به لحاظ آوایی و واجی از هم متمایزند. در آن مقاله، این نگارنده بر اساس تعدادی از منابع بین‌المللی و معیار، اجماع جامعه زبان‌شناسی امروز را درباره مفاهیم مورد بحث به شرح زیر خلاصه کرده است (ص ۱۲۰):

- ۱) گونه (variety): اصطلاحی است خنثی و پوششی که می‌توان آن‌را به مثابه اطلاق کلی به کار برد. یعنی هرگاه نخواسته باشیم خود را مقید به یک اصطلاح خاص (از مجموعه اصطلاحات مورد بحث کنونی ما) کنیم، اصطلاح 'گونه' راهگشاست.
- ۲) زبان (language): دو گونه زبانی که سخنگویان آن دو فهم متقابل ندارند.
- ۳) گویش (dialect): دو گونه زبانی که سخنگویان آن دو فهم متقابل دارند اما در عین حال بین آن دو گونه تفاوت‌های آوایی، واجی، واژگانی، و دستوری وجود دارد.
- ۴) لهجه (accent): دو گونه زبانی که سخنگویان آن دو فهم متقابل دارند اما در عین حال بین آن دو گونه تفاوت‌های آوایی و واجی دیده می‌شود.

بر پایه این تعریفها فارسی امروز، گیلکی، مازندرانی، کردی سورانی، کردی کرمانشاهی، اورامی، وفسی، لکی، لری، راجی، دلواری، لارستانی، شهمیرزادی، سمنانی، دوانی، بلوچی، نائینی، تالشی، و تاتی زبان‌اند. زبان فارسی زبان رسمی ایران است و دیگر زبانهای نام برده شده زبانهای محلی ایرانی‌اند. هر یک از زبانهای مذکور گویشهای خود را دارد. به عنوان نمونه، فارسی تهرانی، فارسی اصفهانی، فارسی بیرجندی، فارسی قانقی، فارسی کاشانی، تاجیکی، دری (یا فارسی افغانستان) گویشهای یک زبان‌اند: گویشهای زبان فارسی. به همین ترتیب گویشهای لاری، اوزی، خنجی، گراشی، بستکی، و بیخه‌ای برخی از گویشهای زبان لارستانی هستند. صاحب این قلم اصطلاح 'گروه گویشی' را برای اطلاق به مجموعه گویشهایی که ذیل یک زبان جای می‌گیرند بسیار سودمند و راهگشا می‌داند. بر این اساس زبان لارستانی دربرگیرنده گروهی گویشی است شامل گویشهای لاری،

اِوَری، خُنْجی، گِراشی، بَسْتکی، و بیخه‌ای. از طرفی دیگر، گویشوران فارسی و گویشوران لارستانی با یکدیگر فهم متقابل ندارند. نظام دستوری فارسی و نظام دستوری لارستانی تفاوت‌های بسیار بنیادی دارند به طوری که تفهیم و تفاهم متقابل را به کلی ناممکن می‌کند. از این رو، بی‌گمان فارسی و لارستانی را باید دو زبان دانست. به عنوان نمونه‌ای دیگر، گروه گویشی تاتی جنوبی عبارت‌اند از گویشهای چالی، تاکستانی، اشتهاردی، خیارجی، ابراهیم‌آبادی، سگزآبادی، دانسفانی، اسفرورینی، و خوزینی. این گروه گویشی ذیل یک زبان واقع‌اند و آن زبان تاتی است. نظام دستوری تاتی، با نظام دستوری فارسی، و نظام دستوری لارستانی تفاوت‌های اساسی دارد به طوری که فهم متقابل بین گویشوران آن سه غیرممکن است. بنابراین، فارسی، تاتی، و لارستانی را سه زبان ایرانی نو باید بدانیم. در مقیاسی کوچک‌تر می‌توان از گروهی گویشی متشکل از گویش روستای وفس، گویش روستای چهره‌قان، گویش گورچان، و گویش فَرک سخن گفت که ذیل زبان وفسی (که در منطقه وفس در منتهی‌الیه شمال غربی استان مرکزی به آن گفت‌وگو می‌شود) واقع است. گویشوران وفسی و فارسی فهم متقابل ندارند و از این رو ضرورت دارد از زبان وفسی سخن بگوییم.

از طرفی دیگر، اگر تفاوت‌های میان دو گونه زبانی اساساً فقط در حد تفاوت‌های آوایی و واجی باشد، بر اساس معیارهای جهانی زبان‌شناسی باید آن دو گونه را 'لهجه‌های' یک زبان دانست، مانند فارسی قمی و فارسی تهرانی.

در مقام جمع‌بندی لازم است تصریح کنم که اطلاق اصطلاح "گویش" به مثابه "زبان محلی و قومی" که در آثار برخی از زبان‌شناسان ایرانی دیده می‌شود کاربردی است نادقیق و خلاف تعریف معیار و جهانی "گویش" در برابر اصطلاح dialect. با نگاهی فراگیر می‌توان گفت در زبان‌شناسی امروز، کاربرد بی‌نشان، خنثی، و پیش‌فرض 'گویش' (dialect) در واقع همان 'گویش جغرافیائی' (geographical dialect/geolect) یا 'گویش منطقه‌ای' (regional dialect) است یعنی گونه‌هایی از یک زبان که بین گویشوران آنها فهم متقابل وجود دارد اما با فاصله جغرافیائی از هم واقع‌اند (← مصادیق 'گویشها' که پیش‌تر نام بردیم). اما در کنار گویش جغرافیائی از 'گویش اجتماعی' (social dialect/sociolect)، 'گویش شهری' (urban dialect)، 'گویش فردی' (idiolect)، 'گویش جنسیتی' (genderlect)، و 'گویش نسلی' (generatiolect) نیز می‌توان سخن گفت. در هر مورد، مبنای گوناگونی زبانی عاملی متفاوت است، مانند عامل جغرافیائی، اجتماعی (همچون

تحصیلات یا شغل)، فردی، جنسیتی، یا گروه سنی و فاصله نسلی.

در تألیف و انتشار کتاب *رده‌شناسی زبانهای ایرانی خود را وامدار و سپاسگزار عزیزان بسیاری می‌دانم*. بیش از همه، گویشورانی که مرا در دانش زبانی‌شان سهیم کردند و افقهای تازه‌ای را پیش‌روی من گشودند در این اثر سهم دارند. در پانویسی در ابتدای هر فصل نام و مشخصات آن بزرگواران را آورده‌ام. سهم همسر و فرزندانم در تألیف این کتاب ویرای توصیف است. به یاد دارم در سالی که دوره‌ی فرصت مطالعاتی خود را در دانشگاه کالیفرنیا (برکلی) می‌گذراندم، دقایقی پس از تحویل سال و فرارسیدن نوروز با شتاب خود را به همایشی علمی که در دانشگاه برگزار شده بود رساندم. در سالهای متمادی تحقیق و نگارش این کتاب در روزهای تعطیل و ایام مرخصی ساعتی بی‌شماری را در اتاق کارم می‌گذراندم. هفته‌های زیادی برای ایراد سخنرانی و استفاده از فرصتهای پژوهشی که گروه زبان‌شناسی مؤسسه تحقیقاتی مکس پلانک در اختیارم گذاشته بود در سفر و دور از خانواده بودم. در مراحل مختلف نشر کتاب از لطف و محبت استاد دکتر احمد احمدی رئیس محترم سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)، که افتخار آشنائی من با این شخصیت فرهنگی به سی سال پیش بازمی‌گردد، بهره‌مند بوده‌ام. فرزند گرامی ایشان جناب آقای دکتر مهدی احمدی همواره در انتشار کتاب مساعدت نمودند و یکی از کتابهای مورد نیازم را از خارج از کشور تهیه کردند. از این دانش‌آموخته شایسته زبان‌شناسی بسیار سپاسگزارم. همکاران زیادی در سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت) در مراحل مختلف آماده‌سازی این کتاب برای چاپ نقش بسیار مؤثری داشته‌اند. بی‌گمان هیچگاه نام تعدادی از آن عزیزان هیچ‌جا ذکر نخواهد شد اما من از بُن‌جان خود را مدیون کوششهای آنان می‌دانم. از سرکار خانم دکتر سعیده کمائی‌فرد، مدیر محترم اداره تدوین کتب علوم انسانی که همیشه راهگشا بودند و امکانات در اختیارشان را سخاوتمندانه برای پیشبرد امور کتاب به خدمت گرفتند سپاسگزارم. از سرکار خانم نوشین قبدیان، مسئول محترم اداره ویرایش، که نمونه‌خوانی این کار را برعهده گرفتند تشکر می‌کنم. از سرکار خانم مریم جابر، دانش‌آموخته رشته زبان‌شناسی از دانشگاه علامه طباطبائی و ویراستار ارشد سمت که با دقت، شکیبائی، تعهد، و احساس مسئولیت مثال‌زدنی نهایت توان خود را برای آماده‌سازی و ویرایش نسخه دستنویس این کتاب، که افزون بر ۲۳۰۰ صفحه بود، به کار بستند از صمیم قلب سپاسگزارم. ایشان در جلسه‌های متعدد حضوری و نیز از طریق پیام‌نگار نکته‌ها و پیشنهادهای بسیار ارزشمندی را با

من در میان گذاشتند و مرا مدیون خود کردند. سرکار خانم مریم سمیاری حروف‌نگار طراز اولی در سمت هستند که با علاقه، نهایت دقت، و جدیت حروف‌نگاری پرظرافت این کتاب را به انجام رساندند؛ این کتاب به لحاظ حروف‌نگاری پیچیدگیهای زیادی دارد و آوانویسی‌های ناهمگن، تقطیعها، جدولها، و شکلهای متعددی در آن به کار رفته است؛ همواره قدردان محبتهای ایشان خواهم بود.

امیدوارم کتاب رده‌شناسی زبانهای ایرانی گامی باشد در جهت بومی کردن علم زبان‌شناسی در ایران. همچنین آرزو می‌کنم این اثر بتواند نشان دهد که مطالعه زبانهای ایرانی در آگاه‌تر کردن جامعه بین‌المللی زبان‌شناسی از اهمیت این زبانها در پرتو افکندن به چیستی زبان و ویژگیهای قوه نطق بسیار سودمند است. شاید زمان آن رسیده باشد که با برخورداری از این گنجینه عظیم زبانی در ایران به سهم شدن در نظریه‌پردازی بیندیشیم و به ترجمه کردن آراء، اندیشه‌ها، و مفاهیم به زبان فارسی و یا شارح صرف بودن در انتقال مفاهیم علمی نو در زبان‌شناسی بسنده نکنیم.

محمد دبیرمقدم

استاد زبان‌شناسی دانشگاه علامه طباطبائی
و عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی

بهمن ۱۳۹۱

مقدمه*

برای من مایه افتخار و مسرت است که می‌توانم کتاب ماندگار استاد محمد دبیرمقدم را با عنوان رده‌شناسی زبانهای ایرانی به خوانندگان معرفی کنم. این کتاب از چند جنبه در زبان‌شناسی به عنوان نخستین اثر معرفی می‌شود.

اول اینکه، این اثر پس از مدتهای مدید شرح مفصلی از پژوهشهای اخیر در رده‌شناسی زبان را، با به خدمت گرفتن مواد زبانی روشنگر از زبان فارسی و دیگر زبانهای ایرانی ایران و خارج از ایران به خوانندگان فارسی‌زبان، ارائه می‌کند. رده‌شناسی زبان در چند دهه اخیر به منزله رویکردی قوی و مستقل به زبان، با بذل توجه دقیق هم به ویژگیهای جزئی زبانهای خاص و هم به الگوهای کلی‌ای که در بین زبانها دیده می‌شوند، ظاهر شده است. این رویکرد در خصوص همگانیهای زبانی دست به تعمیم می‌زند و در عین حال شرح نظام‌مندی از گوناگونی زبانی به دست می‌دهد. استاد محمد دبیرمقدم متخصص پیشتازی است در سطح جهانی در به کاربرتن رده‌شناسی زبان به زبانهای ایرانی، و کتاب او که دیری انتظارش می‌رفت به طور تحسین‌برانگیزی این هدف را برآورده می‌کند.

افزون بر آن، این کتاب تحلیل مفصلی از تعدادی از زبانهای ایرانی از منظری رده‌شناختی، با تمرکز بر پدیده‌هایی که مورد علاقه رده‌شناسی زبان بوده‌اند، به دست می‌دهد، و بدین ترتیب زبانهای ایرانی را در طرح کلی گوناگونی بین‌زبانی قرار می‌دهد. دو پارامتر رده‌شناختی به منظور بحث بین‌زبانی مفصل برگزیده شده‌اند، که عبارت‌اند از ترتیب واژه و گنائی‌بودگی، که زبانهای ایرانی برای هر دو مورد

* متن اصلی مقدمه برنارد کامری پس از ترجمه آن درج شده است.

مواد زبانی مهمی فراهم می‌کنند که در گذشته غالباً نادیده گرفته شده‌اند. به عنوان نمونه، زبان فارسی از این بابت که در ترتیب خنثای واژه‌ها فعل را در پایان جمله می‌نهد فعل‌پایانی است، اما بر اساس اکثر پارامترهای دیگر، زبان فارسی ارزشهایی را نشان می‌دهد که کاملاً مغایر آنهایی است که در زبانی فعل‌پایانی می‌باید انتظار داشت، مانند داشتن پیش‌اضافه به جای پس‌اضافه و ظاهر شدن مالک بعد از مملوک، نه قبل از آن. زبانهای ایرانی دیگر، گوناگونیهای جالبی را در این موضوع نشان می‌دهند و از این رو داده‌های تعیین‌کننده‌ای برای مباحث مربوط به رده‌شناسی ترتیب واژه به دست می‌دهند. در خصوص کُنائی‌بودگی، زبانهای ایرانی گستره وسیعی از گوناگونی را نشان می‌دهند که دامنه آن از زبانهایی با کُنائی‌بودگی گسترده (یعنی رفتار پذیرا، به جای عامل، در فعل متعدی همانند تنها موضوع یک فعل لازم) تا زبانهایی مانند فارسی را که تقریباً همه نشانه‌های این پدیده را از دست داده‌اند شامل می‌شود. مراحل بینابینی غالباً به لحاظ رده‌شناختی بسیار غیرمعمول‌اند، مانند نظامهایی که در آنها یک نشانه یکسان هم برای عامل و هم برای پذیرا در فعل متعدی به کار برده می‌شود ولی نشانه‌ای متفاوت برای تنها موضوع فعل لازم به خدمت گرفته می‌شود، و این همان الگوئی است که برای بسیاری از توصیفهای کُنائی‌بودگی مسئله‌آفرین است.

کلام آخر اینکه، این کتاب شکاف بین رده‌شناسی زبان، زبانهای ایرانی، و خوانندگان فارسی‌زبان مباحث زبان‌شناختی را برطرف می‌کند. اثری است مهم و بهنگام که انتشارش با استقبال گرم روبه‌رو خواهد شد.

استاد دکتر برنارد کامری

مدیرگروه زبان‌شناسی مؤسسه مکس پلانک

در انسان‌شناسی تکاملی (لایپزیک، آلمان)

و استاد ممتاز دانشگاه کالیفرنیا (سانتا باربارا)

Preface

It is an honor and a pleasure for me to be able to introduce to the reading public Professor Mohammad Dabir-Moghaddam's monumental volume *The Typology of Iranian Languages*. This volume represents a first in linguistics from a number of perspectives.

First, it provides at long last a detailed account of recent work in linguistic typology to the Persian-speaking public, using illustrative material from Persian and other Iranian languages of Iran and beyond. Linguistic typology has emerged in the last few decades as a robust independent approach to Language, paying careful attention both to the detailed properties of individual languages and also to the general patterns that are observed cross-linguistically; it generalizes with respect to language universals while providing a systematic account of linguistic diversity. Professor Mohammad Dabir-Moghaddam is a leading practitioner internationally of the application of linguistic typology to Iranian languages, and his long-awaited volume admirably serves this purpose.

In addition, the volume provides a detailed analysis of a range of Iranian languages from a typological perspective, concentrating on phenomena that have been interest to linguistic typology, and thus placing the Iranian languages within the overall schema of cross-linguistic variation. Two typological parameters are chosen for detailed cross-linguistic discussion, namely word order and ergativity, for both of which Iranian languages provide important material that has only too often been neglected in the past. For instance, Persian is verb-final in the sense that in neutral word order the verb occurs at the end of its clause, but in terms of most other parameters Persian shows values diametrically opposed that one would expect in a verb-final language, such as prepositions rather than postpositions and the possessor after rather than before its possessum. Other Iranian languages provide interesting variations on this theme and thus provide crucial input into discussions of word order typology. With regard to

ergativity, Iranian languages show a wide range of variation from languages with widespread ergativity (treatment of the patient, rather than the agent, of a transitive verb like the single argument of an intransitive verb) to languages like Persian that have lost virtually all traces of the phenomenon. Intermediate stages are often typologically highly unusual, such as systems where the same marking is used for both transitive agent and patient but a different marking is used for the single intransitive argument, a pattern that poses problems for many accounts of ergativity.

In sum, this volume bridges the gap between linguistic typology, Iranian languages, and the Persian-speaking linguistic readership. It is an important and timely work whose publication will be warmly welcomed.

Prof. Dr. Bernard Comrie
Director, Department of Linguistics,
Max Planck Institute for Evolutionary Anthropology
& Distinguished Professor of Linguistics,
University of California Santa Barbara